مجموعه آثار ۱۱ - تاریخ تمدن

دکتر شریعتی

کانون آرمان شریعتی

Sco1385@Gmail.com

شماره مقاله : ۰۰۰۰

تعداد صفحه : ۳

آخرین بررسی : ۸۷/۰۴

تاریخ تحریر : ۰۰۰۰

www.shandel.org

موضوع : پیشگفتار

پیشگفتار

هر تمدنی یک سرگذشتِ تاریخی دارد و یک "اندامِ ظاهری" که عبارت است از اِستیلِ بنای آن و عناصری که در ساختمانِ آن به کار رفته. مطالعهٔ ایـن وجـوه از یـک تمدن آسـان است. دانشجو می‌تواند با مطالعهٔ کُتُبی که در بارهٔ تاریخ و توصیفِ تمدن‌ها نوشته‌اند خود آن را دریابد.

اما آنچه عَمیق‌تر و دیریاب‌تر و سخت پیچیده است، بررسیِ روح و گرایش‌ها و افکار و عقاید و تضادهای درونی و عُقده‌های پنهان و تَحقیق در بطونِ مُتعدد و زوایای مَخفی و به خصوص ارزیابیِ ارزش‌های یک تمدن است، چه، هر تمدن، یک انسان است. مطالعهٔ بیوگرافی و فیزیولوژیِ حوادثِ زندگی و محیطِ خانوادگی و اجتماعی و وضعِ اقتصادی و شیوهٔ زندگیِ او دشوار نیست. اما آیا با مطالعهٔ این مسائل می‌توان مُطمئن شد که او را به درستی شناخته‌ایم؟ هرگز! عقاید، و معلومات، خُصوصیاتِ روحی و اخلاقی و عاطفیِ او، خیالات و آرزوها و حساسیت‌ها و ذوق و احساساتِ او که واقعیتِ فردی و شخصیتِ مستقل و ممتازِ او را می‌سازد، کارِ دیگری است. پس از فراهم آوردنِ اطلاعاتِ جامع از زندگی و گذشته و محیط و وراثتِ او باید به تحلیلِ روانی و تعلیلِ علمیِ خصوصیات و توصیفِ کاراکترها و شکافتنِ عُقده‌ها و یافتنِ زوایای پنهانیِ روح و اندیشهٔ او پرداخت.

دربارهٔ تمدنِ جدید، اطلاعاتِ لازم را می‌توانید از تاریخِ تمدنِ ویل دورانت، تاریخِ علمِ ژرژ سارتن، تاریخِ علمِ پیر روسو، تاریخِ اروپای فیشر.... تاریخِ فلسفهٔ غربِ راسل، تاریخِ مکتب‌های فلسفی، ترجمهٔ دکتر پازارگاد و تاریخِ مکتب‌های اقتصادیِ ویکنز، ترجمهٔ پورهمایون و.... به دست آورید. در اینجا من به طرح و تحلیل و ارزیابیِ مسائلی که انسانِ امروز در تمدنِ جدید با آن روبروست می‌پردازم.

شناختِ این مسائل ما را با روحِ تمدنِ امروز و ابعادِ ویژهٔ انسانِ مُتمدن آشنا می‌کند. آنچه امروز "غرب‌زدگی" نام دارد و مبارزه با آن موردِ اتفاقِ همهٔ روشنفکرانِ جامعه‌های غیرِ غربی است، فاجعه‌ای است که مَعلولِ عدمِ آشناییِ علمی با غرب و تمدنِ جدید است، و به عقیدهٔ من تنها راهِ مبارزهٔ مَنطقی با آن و بازگشت به شخصیتِ انسانیِ خود، تسلطِ روحی و فکری بر آن و یافتنِ قدرتِ تَشخیص و انتخاب در برابرِ آن است و این راه را باید تنها از طریقِ تَفَوقِ

فکری و روحی بر آن، یعنی شناختِ دقیقِ علمی و ارزیابیِ آن به دست آورد. در این صورت است که تمدنِ جدیدِ اروپایی که در ذهنِ نیمه‌روشنفکرانِ غیرِاروپایی، یک کُل، یک حقیقتِ مُطلق و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و مِلاک‌ها و شیوه‌های انسانیِ کامل تصویر شده است که فقط باید به کسب و تَقلیدِ آن موفق شد، تجزیه می‌گردد و می‌شود مجموعه‌ای از تجربیاتِ تلخ و شیرین و ارزش‌های بد و خوب و نِسبی و مِلاک‌های مَشکوک و جهانی که در بنا و ادارهٔ آن، اَهورامَزدا و اَهریمن هر دو دست اندرکارند و در کِشمَکش، بنابراین باید با احتیاط و دقت و خُبرگی و بینایی بدان قَدم گذاشت و به "انتخاب" پرداخت و نه به "انتقال" و سرنوشتِ ملت‌های آسیایی و آفریقایی که با غرب و تمدنِ امروز تماس یافته‌اند، تجربه‌های بزرگی برای روشنفکرانِ ما است.

ملت‌هایی که دامن دَر کِشیده و گِردِ خود حِصار کشیده‌اند تا سالم بمانند، پوسیده‌اند و در انحطاطْ استوار مانده‌اند، ملت‌هایی که سِخاوتمندانه دروازه‌های خود را گشوده‌اند و کوشیده‌اند از فَرقِ سَر تا ناخنِ پا مُتمدن شوند و مُدرن، به استعمار افتاده‌اند و به نابودی و ویرانیِ بنیادیِ فرهنگ و شخصیت و اقتصادِ خویش رِضا داده‌اند و تنها ملت‌هایی که با آشناییِ علمی و آگاهیِ دقیق به انتخاب پرداخته‌اند و بر روی پایه‌های تاریخ و فرهنگ و اصالت‌های معنوی و اخلاقیِ خویش بـه بنـای جامعه‌ای پرداخته‌اند که اِستیلِ آن را خود طرح کرده‌اند و آنچه را که به کارِ ساختمانِ آن می‌آمده است از غرب برگزیده‌اند و توانسته‌اند نه تنها برای ملتِ خود نظامی استوار و زندگی‌ای در حالِ رشد بسازند، بلکه برای بشریت پدیده‌ای نوین بیافرینند و در نجاتِ انسان از انحطاط و بُروزِ انحراف، امروز، راهِ سومی ارائه دهند که در هدایتِ تاریخِ فردا، نوعِ انسان را به کار آید و این که بیشتر از همه بر روی تمدنِ جدید تکیه می‌کنیم به خاطرِ اینست که نه تنها عظیم‌ترین تمدنِ بشر را بشناسیم و جهانِ امروزی را که در آن هستیم (اگر چه در آن زندگی نمی‌کنیم)، بفهمیم، بلکه خود را بشناسیم و رسالتی را که داریم و راهی را که باید بپیماییم، راه و رسالتی را که نه پاسدارانِ سُنت و جُمود و کهنگی به‌نامِ مذهب نشان می‌دهند و نه پرچم‌دارانِ تَجَدد و شیفتگانِ اندیشه‌ها و راهِ‌حل‌های غربی به‌نامِ روشنفکری و پیشرفت اِدعا می‌کنند، راهِ سومی که از میانِ این دو بیراهه می‌گذرد : نه تقلید از دیگران، بلکه شناخت و ابداع و انتخاب.